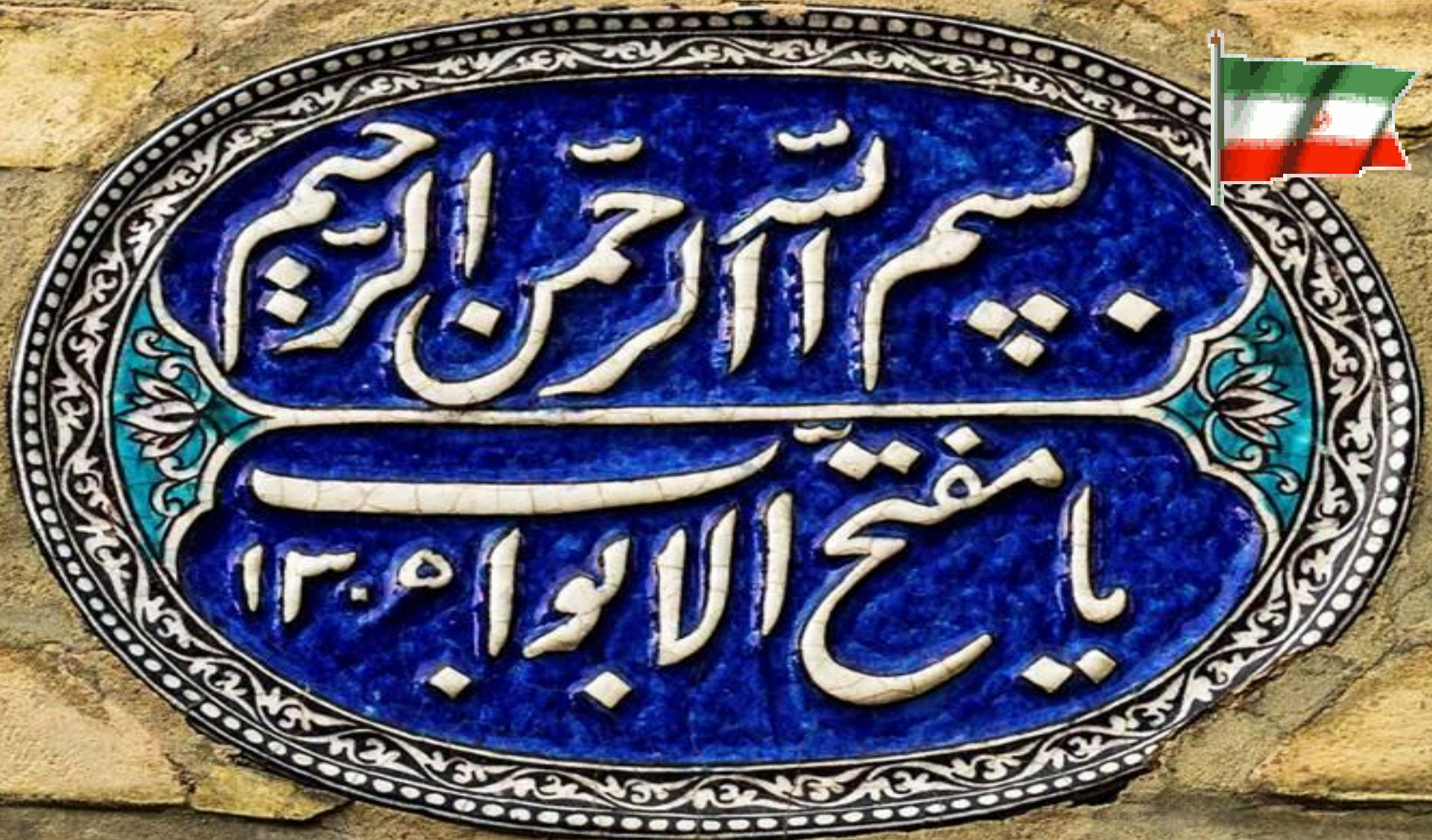




بسم الله الرحمن الرحيم

يا فتح الابواب

يا حسين (ع)

سلام

« در مکتبِ امام حسین »

صلوات الله عليه:

جلسه سوم - ۸ شهریور ۹۹ «

در این ایام غمبار، می‌توان درباره:

انواع «**خباثت** و **رذالت**» کوفیان در خدمت یزید،

و یا از انواع «**شجاعت** و **رشادت**» سپاه در خدمت امام،

و یا از برخورد آن «**أعداء**» با «**اسیران**» سخن گفت.

اما مرور آنها روشن نمی‌کند چرا هر روز «**عاشوراء**» است؟

در جلسه قبل، عرض شد که:

اکثر سپاه کوفه، چون دعوت کننده بودند،

پس «**شخص**» امام حسین صلوات الله علیه را

«قطعاً می شناختند» اما

«**امامت امام**» را قبول نداشتند.



چون غالب مسلمانان از « غدیر » تا « امروز »،

« نخواستند بفهمند » که « همیشه »:

« امامت، خلافت، حاکمیت، حکومت و حکمیت »،

باید به « اُنْتَخَابِ خَالِقِ جهان و مالکِ بشر » باشد،

و نباید به « اِنْتَخَابِ مردم » باشد که صلاح را نمی دانند.

سؤال ١:



چرا « سر بریده امام » صلوات الله عليه
آیه « ۹ » سورة « كهف » را می خوانند؟

زیرا در سوره «**کهف**»،

بزرگترین «**تخلف**» مسلمین،

و «**ریشه فاجعه کربلاء**»

«**افشاء**» شده است:

هُؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً

لَوْ لَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيْنِ

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (كهف/۱۵)

این قوم ما غیر از او را رهبر گرفتند. چرا برایشان برهانِ روشنی نمی‌آورند؟
پس ^{۱۳} کیست ستمکارتر از آن که به خداوند دروغ بسته است؟

متأسفانه اکثر مسلمانان، پس از «رسول اکرم»

صلی الله علیه و آله،

امامان «منصوبِ خدا» در غدیر خم را

«تکذیب» کردند و عملاً «کنار» گذاشتند،

و «بدترین» افراد را برای «خلافت» پذیرفتند.

به همین خاطر،

« **محور زیارتِ عاشوراء** »،

« **لعن** » همین افرادی است که

« **خلافت** » را « **انتخابی** » کردند:

فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ

أَنْسَتُ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ

عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ

پس خدا لعنت کند مردمی را که اساس ظلم و جور را علیه شما اهل بیت بنا نهادند.

تأکید بر « منصوب » بودن ائمه اطهار،

صلوات الله عليهم

در خطبه غدیر خم:

۱- فَأَعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ؛

أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَ إِمَامًا

فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى كُلِّ مُوَحِّدٍ.

ای مردم؛ بدانید که

خداوند او را برایتان به عنوان صاحب اختیار و امام منصوب کرد

و اطاعت او را بر ¹⁸هر یکتاپرستی « واجب » نمود.

۲- مَعَاشِرَ النَّاسِ،

فَضَّلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ،

وَاقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.

ای مردم؛ او را برتر بدانید زیرا خدا او را برتری داده،
و رهبریش را بپذیرید زیرا خدا او را منصوب کرده.

۲- اللهم؛ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ الْآيَةَ فِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلِيَّكَ

عِنْدَ تَبْيِينِ ذَالِكَ وَ نَصَبِكَ إِيَّاهُ لِهَذَا الْيَوْمِ:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ «

اللهم إني أشهدك أني قَدْ بَلَغْتُ.

خدایا؛ تو در هنگام بیان ولایت علی و انتصاب او، این آیات را نازل فرمودی که:

امروز دینتان را به کمال و نعمتم را برایان به اتمام رساندم

خداوندا؛ تو را گواه می گیرم که پیام تو را به مردمان رساندم.

۴- معاشرِ الناس؛

أَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ،

فَإِنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ فَقَصِّرْتُمْ أَوْ نَسِيتُمْ،

ای مردم؛ نماز را اقامه کنید و زکات بدهید

همانطور که خدای عزوجل فرموده،

پس اگر به خاطر طول زمان کوتاهی کردید یا از یاد بردید،

فَعَلَى: « وَلِيَّكُمْ وَ مُبِينٌ لَّكُمْ »،

الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَكُمْ بَعْدِي

أَمِينٌ خَلَقَهُ.

پس علی، ولی و بیان کننده بر شماست همانکه خدای عزوجل او را بعد از من
برای شما در میان آفریدگانش به عنوان امانتدار منصوب کرده است.

إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ
وَهُوَ وَ مَنْ تَخْلُفُ مِنْ ذُرِّيَّتِي
يُخْبِرُونَكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ
وَيُبَيِّنُونَ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

همانا او از من و من از اویم و او و فرزندانم از جانشینان او
پرسشهایتان را پاسخ می‌دهند و آنچه را نمی‌دانید به شما می‌آموزند.

۵- فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ:

إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنَا وَ رَبِّكَ

فِي أَمْرِ إِمَامِنَا عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ وُلِدَ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ

نُبَايِعُكَ عَلَى ذَالِكَ بِقُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ أَيُّدِينَا.

پس (اکنون) همه با هم بگوئید:

ما آنچه از نزد خدایمان و خدایت برای امامان علی امیرالمؤمنین و ائمه‌ای که از نسل او باشند رساندی را شنیدیم و مطیعیم و راضی هستیم و می‌پذیریم و با قلب و جان و زبان و دستهایمان با تو پیمان می‌بندیم.

وَعَظَّمْنَا بِوَعْظِ اللَّهِ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

وَالْأَئِمَّةِ الَّذِينَ ذَكَرْتَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وَلَدِهِ بَعْدَهُ،

الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَمَنْ نَصَبَهُ اللَّهُ بَعْدَهُمَا.

ما را به امر خدا پند دادی درباره علی امیرالمؤمنین و ائمه از نسل خود و حسن و حسین و آنان که خدا برای بعد از آن دو، منصوبشان کرد.

متأسفانه پس از « **فاجعه کربلاء** » نیز،
برای غالبِ مسلمانان و حتی « **شیعیان** »،
وجوبِ « **منصوب** » بودنِ « **حاکمان** »،
خیلی « **روشن** » نشده است.

پس باید « **خون** » گریه کرد که أغلبِ مسلمانان ؟

از خاندانِ بسیار کثیفِ (بنی‌امیه، بنی‌عباس، قاجار، آل سعود، آل نهیان و ...)

به عنوانِ « **ظلّ الله** » و « **امام الحرمین** »،

در بیشتر ابعاد زندگیشان، « **إطاعت** » می‌کنند، اما از:

خالقِ خود و پیامبر و أئمةً او « **اطاعت** » نمی‌کنند.

نکتہ مهم:



انسانِ اخراج شده از بهشت،

برای « **بازگشت** » به نزد خدا،

نیازمندِ « **هدایت** » است:

لذا هر مسلمانی هر روز « چند بار »،

به « خالقِ » خود می گوید:

« اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ »

امّا شرطِ ہدایت؟

« اطاعت » است:

وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا (نور/۵۴)

آیا « اطاعت » از:

« مقبولین » ما یا « منصوبین » خدا؟

«هدایت کنندگان الهی»

عبارتند از:

منصوب اول: « **حجَّتِ باطنی = عقل** »

منصوب دوم: « **أنبياء الهی** » سلام الله عليهم

منصوب سوم: « **رسول خاتم** » صلی الله علیه و آله

منصوب چهارم: « **اولی الأمر** » صلوات الله عليهم

راهنمایان منصوب پنجم:

استانداران و والیان و نایبان

پیامبر اکرم و ائمه اطهار صلوات الله علیهم:

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ

وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا (نساء/ ٨٠)

(نفرمود: من يُطِيع القرآن ...)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

الطَّيِّبِينَ الْأَبْرَارِ الْأَخْيَارِ

الَّذِينَ أَوْجَبْتَ حُقُوقَهُمْ

وَفَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَلَا يَتَّهِمُ (صلوات شعبانيه)

إِلَهِي؛ عَظُمَ الْبَلَاءُ

وَبَرَحَ الْخَفَاءُ وَانْكَشَفَ الْغَطَاءُ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَمُيِعَتِ السَّمَاءُ وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَالْيَكُ الْمُشْتَكَى وَعَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِي الشَّدَةِ وَالرَّخَاءِ،

اللَّهُمَّ؛ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

أُولَى الْأَمْرِ؟

الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ

وَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ، مَنْزِلَتَهُمْ

انواعِ «انتصاب»؟

انتصاب خاص: (انتصاب با نام افراد) مانند:

حدیث غدیر، حدیث منزلت، سلمان، محمد بن ابی بکر،
مالک اشتر، عبدالعظیم حسنی، نَوَاب اربعه، و ...

انتصاب عام: (انتصاب با خصوصیات) مانند:

آیه ولایت، آیه صادقین، حدیث سفینه نوح، حدیث ثقلین،
نَوَاب عام: عالمی که أعلم، أفقه، أعدل، أشجع باشد. (شیخ مفید)

معیارِ «انتصابِ عام»:

أَيُّهَا النَّاسُ؛ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ
أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ

ای مردم؛ تواناترین و داناترین مردم به امر خدا،

برای «نیابت» شایسته‌تر است. (خطبه/۱۷۳)

توقيع امام زمان عجل الله تعالى فرجه به مرحوم كليني:

... امّا الحوادث الواقعة،

فارجعوا فيها إلى رِوَاةٍ أحاديثنا

فإنهم حجّتي عليكم و أنا حجّة الله

فرمایش امام صادق صلوات الله علیه به عُمَر بن حنظلہ:

مَنْ كَانَ مِنْكُمْ قَدْ رُؤِيَ حَدِيثَنَا وَنَظَرَ

فِي حِلَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامِنَا

... فَأَنَّى جَعَلْتُهُ حَاكِمًا

امام حسن عسکری صلوات الله علیه هم فرمودند:

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ، صَائِنًا لِنَفْسِهِ،

حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ،

مُطِيعٌ لِأَمْرِ مُوَلَّاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ.

(وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۱)

و حضرتِ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند:

و امّا الحوادث الواقعة، فارجعوا الی رواة حدیثنا،

فإنهم حجّتُ الله علیکم

و أنا حجّتُ الله علیهم

(بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱)

اکنون «ولی أمر» کیست؟

به گواهی « ۱۷۰ فقیه » از تمام جهان اسلام،

فردی « **عالم‌تر**، **جامع‌تر**، **تواناتر** »

از « **مقام معظم رهبری** »

شناخته شده نیست و ایشان خیرالموجودین‌اند.

نکته: شیخ محمد حسن نجفی - صاحب کتاب جواهر الکلام - می نویسد: «ولایت فقیه از امور مسلم،

قطعی، ضروری و روشنی است که نیاز به دلیل ندارد. استوانه های مذهب به ولایت فقیه حکم

کرده اند و فقیهان در موارد متعددی آن را ذکر کرده اند... منکر ولایت فقیه، طعم شیرین فقه

را نجشیده و رمز سخنان امامان معصوم علیهم السلام را نفهمیده است. منصب فقیه، منصب

امامان علیهم السلام است... فقیه، مصداق اولی الامر است و اطاعت از وی واجب می باشد.»

آیا تا کنون

« **منتخبین** » مردم بهتر بوده‌اند؟

یا « **منصوبین** » خداوند؟

سؤال ٢:



آیا « لعن » بر
« مسلمان نما » مجاز است؟

پاسخ قرآن چنین است:

۱- **كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ؟**

وَشَهِدُوا أَنَّ الرُّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ

وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (آل عمران/ ۸۶)

چگونه خداوند قومی را که بعد از ایمانشان کافر شدند هدایت کند
با آنکه شهادت دادند که این رسول بر حق است و برایشان دلایل روشن آورد
و خداوند قوم بیدادگر را هدایت نمی‌کند.

أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ

أَنْ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

(آل عمران ۸۷)

مجازاتِ آنها اینست که:

« لعنتِ خدا و ملائکه و تمامِ مردم » برای آنهاست.

۱- اِنَّ الَّذِیْنَ یُؤْذُوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهُ

لَعَنَهُمُ اللّٰهُ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ

وَ اَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِیْنًا (احزاب/۵۷)

همانا آنها که خدا و سفیرش را آزار می دهند خدا آنها را در دنیا و آخرت،

« لعنت کرده » و برایشان عذابی خفت آور مهیا کرده است.

از «آیندگان»

کدامشان «ملعون» هستند؟

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ

وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ

سَمِعْتُ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ؟

(زيارت اربعين)

لطفًا با تمام معرفتمان بگوئیم:

« لیک یا حسین »

خدایا؛

اُنس ما را با قرآن و اهل بیت روزافزون فرما
و ما را لایقِ «**شفاعت**» امام حسین صلواتک علیه کن
و در زمینه سازی ظهور آخرین حجت،
ما را سهیم قرار بده.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

